

این، یک جنگ امپریالیستی، توسعه طلبانه، تجاوز کارانه، راهزنانه و ارتجاعی است

جنگ امپریالیست‌ها در عراق

که مردم شهرهای عراق در پی آغاز این جنگ به خیابان‌ها آمد و با دسته‌های کل به پیشوای "نیروهای آزادی خواه" یعنی سربازان و نظامیان ائتلاف امپریالیستی بروند. اما از همان اولین دقایق آغاز این جنگ مشخص شد که مردم شهرهای جنوبی عراق این نیروها را بیش از آن که نجات دهنده خود بدانند، اشغال‌کر شهرهای ویران خود دانسته و این احساس خود را نیز روشنی نشان دادند. توده‌های ستمدید مردم عراق که در طول ۱۲ سال تحريم اقتصادی به عمق فقر و فلاکتی بی سابقه پرتاب شده‌اند ورود نیروهای نظامی امپریالیست‌ها را با بی تقاضتی نظاره کرده واز همان آغاز نشان دادند که این نیروها نیز تقاضت زیادی با ستمگران حاکم بر این کشور ندارند. علاوه بر این مقاومت رو به افزایش نیروهای نظامی و شبکه‌های عراقی نیز دیگر عواملی بود که خواب و خیال امپریالیست‌ها را برهم زد. آنان را به سرعت از رویای تصرف سریع عراق و سرنگونی ضربتی رژیم این کشور در اورده و باکابوس جنگی طولانی مدت و پرخراج مواجه نمود. به ویژه این که بر خلاف تبلیغات امپریالیست‌های امریکایی در مورد تعداد کشورهای شرکت‌کننده در ائتلاف جنگ علیه عراق، این بار دیگر خبری از پرداخت هزینه این جنگ نظری سال ۱۹۹۱ که ارتش عراق توسط نیروهای نظامی امپریالیست‌ها از خاک کویت بیرون رانده شد، توسط این کشور صفحه ۷

گسترش اعتراضات علیه جنگ و تشدید سرکوب این مبارزات

با آغاز دومنی هفته از شروع تجاوز نظامی امپریالیستی، اعتراضات علیه آن روزبه روز اوج می‌گیرد. در اقصا نقاط جهان میلیون‌ها نفر با تظاهرات و راهپیمایی مخالفت خود را با وحشی گری نظامی امپریالیسم آمریکا و انگلیس به نمایش می‌گذارند.

با این که این اعتراضات در اکثر کشورها هر روزه تداوم دارد، اما اوج این مخالفتها در روزهای آخرهفتنه نمودار می‌شود. روزهای ۲۹ و ۳۰ مارس میلیون‌ها نفر به کارزار جهانی علیه جنگ پیوستند. در رباط-مراکش بیش از یک میلیون نفر ضمن راهپیمایی امپریالیسم آمریکا را به خاطر تجاوز نظامی محکوم نمودند. در پاکستان صدها هزار نفر در

کشتار بی‌رحمانه مردم عراق، اهداف و نتایج!

علی رغم مخالفت‌های وسیع و گسترده میلیون‌ها تن از مردم سراسر جهان با جنگ و به رغم مخالفت روسیه، چین، فرانسه، آلمان و برخی دیگر از کشورها با حمله نظامی به عراق، بلوک امپریالیستی آمریکا - انگلیس، پس از مقدمه چینی و تامین تدارکات کافی، سرانجام روز پنجم شنبه ۲۹ اسفند ۸۱، با شلیک موشک‌های کروز و پرتاب بم‌های هدایت شونده به سوی شهرهای عراق، جنگ تجاوز کارانه امپریالیستی را به رهبری آمریکا آغاز نمود.

هیچ جنگی تاکنون قبل از آغاز تا بدمین درجه و در این ابعاد، با مخالفت اقشار مختلف مردم در مقیاس جهانی روبرو نبوده است. دهن کجی آشکار بوش و بلر، این نمایندگان تیپیک سرمایه‌امپریالیستی به افکار عمومی جهانی و حتا زیریا گذاشتند نرم‌ها و موادین بین المللی که خود وانمود می‌کردند به آن باوردارند، یکبار دیگر چهره واقعی و خوب و خصلت امپریالیسم مبنی بر جنگ افروزی، سلطه جویی، تجاوز گری و برتری طلبی را در برابر چشم جهانیان به نمایش گذاشت و بار دیگر بر توحش و بربریت نظام سرمایه داری مهربانی شدند که در مصاحبه‌های مطبوعاتی متعدد در مقابل دوربین هزاران خبرنگار حاضر شده و تلاش نمودند که تمام اخبار دروغ و مغرضانه از سوی ستاد نیرو-های امپریالیستی شدند که در مصاحبه‌های این کشور، سیل اخبار دروغ و کنترل شده توسط امپریالیست‌ها نیز آغاز شد. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان شاهد پخش اخبار دروغ و مغرضانه از سوی ستاد نیرو-های امپریالیستی شدند که در مصاحبه‌های این کشور، سیل اخبار دروغ و کنترل شده توسط امپریالیست‌ها نیز آغاز شد. این کشور از دیگری به تصرف در اورده و چیزی نگاشت که صحبت از بدندهایی، یعنی جنگ بر سر سرنوشت شهر بغداد و در واقع سرنوشت رژیم عراق به میان آمد. اما مدت زیادی لازم نبود تا عمق فریبکاری و دروغ گویی دستگاه‌ها موشک هدایت-لیستی بر افکار عمومی جهان آشکار شود. بر طبق سناریوی امپریالیست‌ها، فرار بود از جمله جنگده های تهاجمی FA_18، F_15، F_16، F_17، جنگده های تهاجمی B_52، صدا و ضد رادار F_117، جت های تهاجمی GR7 واریر، و ارتوگ‌های A10، جنگده های تورنادوی انگلیسی، هوایپیمایی تهاجمی تاندربرولت، بم‌افکن‌های B_1، بم‌افکن‌های دوربرد B_2، از دهها پایگاه هوایی، بر فراز بغداد و سایر شهر-های عراق به پرواز در می‌آیند و هزاران بم‌هدایت شونده‌لیزری، بم‌های خوش‌های صفحه ۶

((چپ کارگری)) و مسئله ۴ بهمن

صفحه ۵

دراین شماره

- ۸ چرا شوراها
- ۴ اخبار از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان

کشتار بی رحمانه مردم عراق، اهداف و نتایج!

فراوانی دیده اند، اما هیچگاه دروغ های امپریالیستی را باور نخواهند کرد. از هم اکنون روش است که در تعیین نظام بعد از سرگونی صدام حسین، مردم عراق هیچ نقشی نخواهند داشت. کسی نیست که نداند آمریکا در صدد روی کار آوردن بک دولت صد درصد دست نشانده خویش است. بد رغم آن که اوضاع بعد از سرگونی صدام، کم و بیش مورد مشاجره است، و بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، روسیه و آلمان با این که شورای امنیت به طرح آمریکا و انگلیس در روی کار آوردن یک دولت دست نشانده آنها مشروعيت ببخشند مخالفند، اما آمریکا از قبیل دراین مورد نیز تضمیم گرفته است و عجالتاً تھاتحضرتیست دخالت این کشورها را بپذیرد چه رسد به دخالت مردم عراق! چند روز پیش کالین پاول وزیر خارجہ آمریکا اعلام نمود پس از سرگونی صدام، آمریکا کنترل عراق را رسمابه دست خواهد گرفت و این مسئله را به "سازمان ملل نخواهد سپرد" وی تصریح کرد که در اسرع وقت یک دولت غیرنظمی امریکایی شکل خواهد گرفت تا بعداً نوبت به دولت انتقالی عراقی برسد! امپریالیسم آمریکا حتاً "حاکم غیرنظمی" عراق پس از صدام حسین را نیز مشخص کرده است. و توئنی بلدرن سفر اخیر خود به آمریکا گفت کانگلیس از طرح آمریکا برای انتساب "یک حاکم غیرنظمی" به نام "ژنرال جی گارنر"! حمایت می کند! او اضافه کرد که سازمان ملل هم بایدازاین طرح حمایت کند! ژنرال جی گارنر که تحت امر مستقیم پنتاگون فعالیت می کند، از آغاز جنگ وارد کویت شده است و دارد خود را برای حکمرانی بر عراق و مردم زحمتکش آن می کند! روش است که امپریالیسم آمریکا در بر - افروختن آتش جنگ با عراق و اشغال نظامی این کشور، مقاصد راهزنده و توسعه طلبانه خویش را تعقیب می کند. جرج بوش (و دولت آمریکا نیز) مجری سیاست های انصارات مالی- صنعتی و شرکت های بزرگ گفتی و در یک کلام سرمایه امپریالیستی است. امپریالیسم در تدارک چنگاندزی به منابع نفتی، بازارهای عراق و سایر کشورهای منطقه و توسعه طلبی در مقیاس جهانی است. بمباران ها و موشک باران های بلا وقه و وحشیانه و کشتار مردم بی دفاع و اشغال نظامی عراق، یا آن طور که بوش می گوید "استراتژی شوک و وحشت" مقدمه این استراتژی است.

همین چند روز کافی بود تا مردم جهان بار دیگر زورگویی و سلطه جویی امپریالیسم و بربریت نظام گندیده سرمایه داری را به چشم بینند و به ماهیت این استراتژی پی ببرند. گرچه تا همین حالا هم اقدامات تجاوز کارانه امپریالیسم، مخالفت های وسیعی رادریسراسر جهان علیه آمریکا برانگیخته است و آمریکا از هم اکنون در نقاط مختلف جهان به برپا داشتن دیوارهای بلند آهنین و استقرار محافظه بر گرد مراکز دولتی و سفارت خانه های خویش مشغول شده است، معهذا شاید هنوز به این مهم پی ببرده باشد که با آتش گشودن بر روى مردم عراق، آتشی زیر پای خویش برافروخته است و در عین حال حقانیت سوسيالیسم به مثابه یک نظام آلتربناتیو انسانی را به مشغله ذهنی جهانیان مبدل ساخته است.

کرده اند! یعنی در هر شبانه روز ۸۱۶ بمب و موشک (هر ۱۰۵ ثانیه یک بمب و موشک) فقط توسط سربازان آمریکایی بر سر مردم عراق فرو ریخته شده است. با این همه، اینها هنوز ظاهراً اشتهاي سیری ناپذیر مرگ آفرینان لندن و واشنگتن را کفاف نمی دهد. سخنگوی پنتاگون خبرداد که افزون بـ ۲۵۰ هزار سرباز آمریکایی و ۵۰ هزار سرباز انگلیسی و استرالیایی، به زودی ۱۲۰ هزار سرباز دیگر از چهارمین گردن پیاده نظام آمریکا به آنها ملحق خواهد شد. همچنین بیش از هزار چتریاز آمریکایی از مقر خود در ایتالیا، در شمال عراق مستقر شدند. سوای افزایش نیروهای نظامی، روز به روز برترانک سلاحها و سایر تجهیزات نظامی امریکا در منطقه افزوده می شود. خبرگزاری رویتر خبر داد که جرج دبلیو بوش، نماینده انحصارات مالی و صنایع نظامی آمریکا، یک بودجه اضطراری ۷۵ میلیارد دلاری برای ادامه جنگ در خواست کرده است. در آغاز تصور می شد که با یک جنگ سریع و آسان، قضیه به سان افغانستان خاتمه خواهد یافت و شهر های عراق به فوریت سقوط خواهد کرد. امامتله به آن سادگی نبود. پنتاگون به این موضوع اعتراف کرد. بوش نیز در مقر پنتاگون گفت که نمی داند این جنگ تا چه زمانی طول خواهد کشید! با این همه بر عملی کردن نقشه های آمریکا به هر قیمت تاکید نمود. روز نامه و واشنگتن پست پنجمین ۲۷ مارس به نقل از برخی مقامات وزارت دفاع آمریکا توشت ممکن است جنگ چند ماه به طول انجامد. ریچارد پرل رئیس هیئت مشاوران دفاعی پنتاگون، همان روز استعفا داد. و توئنی بلر این سگ طوله دست آموز بوش، که خود سگ دست اموز انحصارات مالی و نظامی تفاوت شرایط افغانستان و طالبان با شرایط عراق سخن گفت، بلکه بدوشی بدهشوار بودن پیش روی ارتش های مهاجم نیز اعتراف کرد در عین حال در برآوردها سوال که مردم عراق به لندن و واشنگتن اطمینانی ندارند، باز هم به شیوه ارباب خویش پارس کرد که "با این وجود دو کشور طبق طرح های قبلی درخاک عراق پیش روی خواهد کرد"

بنابراین جنگ و ویرانی، کشتار مردم بی دفاع و انهدام شهرها و اماکن مسکونی عراق ادامه خواهد یافت. ارتش های تجاوز اگر می خواهد که این استراتژی را ایجاد امنیت و آرامش در منطقه و مهاجم نیز اعتراف کرد در عین حال در سرگردان یورش این نفر کشته و اینان را کودکان و زنان تشکیل می دهند. گزارشات حاکم از آن است که در جریان یورش های ارتش مهاجمین فقط در ۵۰ روز اول صدها نفر (بیش از ۶۰ نفر) از مردم عادی و غیرنظمی کشته و هزاران نفر (۳۶۵۰ نفر) زخمی شده اند و صدها خانه مسکونی در بغداد، ام القصر، بصره، ناصریه، نجف، کربلا، کركوك، موصل و سایر شهرهای عراق با خاک یکسان شده است. بازارها، اماکن عمومی، خیابان ها و سایر تأسیسات تخریب و منهدم شده است. هزاران نفر آواره و سرگردان شده اند. بمباران و موشک باران راهزنان آمریکایی- انگلیسی، در برخی شهرها به قطع برق و اخلال در سیستم آب رسانی منجر شده است و میلیون ها تن از مردم عراق را با مشکلات عدیده ای روبرو ساخته است. برای نمونه در بصره، مردم مجبور شده اند از آب آب رودخانه ای که به عنوان فاضل آب نیز استفاده می شود، اب، ذخیره و استفاده کنند کهاین موضوع سبب شیوع انواع بیماریها می شود. در همین رابطه یونیسف چنین هشدار داده است، که ۱۰۰ هزار کودک زیره سال در معرض ابتلاء به این امراض قرار دارند. ۷ روز پیش ازحمله نظامی آمریکا به عراق، ویکتور کلارک سخنگوی پنتاگون اعلام کرد، "سربازان آمریکایی در جریان حملات شش روز گذشته، ۶۰۰ فروند موشک کروز تامهاوک و بیش از ۴۳۰۰ فروند بمب هدایت شونده دقیق به سوی عراق پرتاب



این، یک جنگ امپریالیستی، توسعه طلبانه، تجاوزکارانه، راهزنانه و ارتجاعی است

کارگان وزحمتکشان ایران! زنان و جوانان تحت ستم! روشنفکران انقلابی!

در پی اولتیماتوم امپریالیسم آمریکا به عراق، بوش فرمان حمله نظامی به عراق را صادر کرد وaz نخستین ساعات بامداد امروز، حملات موشکی و بمباران شهرهای عراق آغاز گردید.

این جنگ در حالی توسط بلک امپریالیستی تحت رهبری آمریکا، آغاز گردید که میلیونها تن از مردم سراسر جهان، آشکارا با راهپیمایی و تظاهرات و دیگر اقدامات اعتراضی، مخالفت خود را با برافروخته شدن جنگ ابراز داشتند و آن را محکوم کرده‌اند. با این وجود، پاسداران منافع انحصارات جهانی، نه تنها کمترین اعتنایی به این موج گسترده مخالفت مردم جهان نکردن بلکه ماهیت پوشالی نهادهای بین‌المللی خود نظری سازمان ملل وارگان‌های آن همچون شورای امنیت را نیز بر ملا کردند و این بار به علت تشدید تضادهای درونی اردوگاه امپریالیسم، اردوگاه امپریالیستی تحت رهبری آمریکا منتظر تصمیم شورای امنیت نیز نماند.

بوش، این مجری سیاست‌های ارتجاعی و توسعه طلبانه انحصارات امپریالیستی آمریکا در فرمان حمله نظامی به عراق، بار دیگر ادعای رسوای خود را مبنی بر این که ارتش آمریکا به خاطر آزادی مردم عراق و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی، قصد اشغال این کشور را دارد تکرار نمود. پاسخ این ادعای رسوای مسخره را صدها میلیون تن از مردم جهان با ابراز مخالفت علني خود با جنگ داده‌اند. مردم سراسر جهان با اعتراضات و تظاهرات گسترده خود نشان دادند که به خوبی، به اهداف و مقاصد قدرت‌های امپریالیست جهان واقف‌اند و می‌دانند که این جنگ به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی انحصارات سرمایه داری آغاز شده است. از همین روست که آن را به عنوان یک جنگ امپریالیستی، توسعه طلبانه و تجاوزکارانه محکوم کرده‌اند. امپریالیسم نه با آزادی و رهایی مردم، بلکه با جنگ، کشتار، ویرانی، ارتجاع سیاسی، اسارت و به بند کشیدن ملت‌های ضعیفتر، غارت و چاپل و استثمار عجین است.

تاریخ سراسر دوران پیدایش امپریالیسم، گواه روشی است بر این حقیقت و امپریالیسم آمریکا و انگلیس که اکنون صحنه گردان جنگ جدید علیه مردم عراق اند، در این جنایات، سرامد دیگر قدرت‌های امپریالیست هستند. قدرت‌های امپریالیست، همواره از رژیم‌های ارتجاعی و سرکوبگر منطقه خاور میانه حمایت کرده‌اند. ادامه حیات آنها نقش اصلی را داشته‌اند. لذا ادعای آنها در مورد آزادی و استقرار رژیم‌های به اصطلاح دمکراتیک، پوشالی‌تر از آن است که حتاً عقب مانده‌ترین و نااگاه‌ترین مردم را فربد دهد.

این برهه‌هود مردم کشورهای منطقه است که با رژیم‌های استبدادی و سرکوبگر تسویه حساب کنند و آنها را براندازند. این توهه‌های زحمتکش مردم عراق هستند که باید رژیم دیکتاتوری حاکم براین کشور را براندازند. مردم منطقه خاور میانه نیازی به ناجیان ستمگر و استشارکار و ارتجاعی که سالها توهه‌های زحمتکش را به بند کشیده‌اند و اکنون نیز می‌خواهند با کشتار مردم زحمتکش به اهداف و مقاصد اقتصادی و سیاسی خود جامد عمل پوشند و رژیم‌های دست نشانده خود را به مردم تحییل کنند ندارند.

اهداف و مقاصد قدرت‌های امپریالیست از برافروختن این جنگ برهمنگان روشن است. این جنگی است بسر تجدید تقسیم بازارهای منطقه خاور میانه، جنگی است برای کسب سودهای بیشتر توسط انحصارات امپریالیستی، جنگی است برای غارت و چاپل و استثمار و به بند کشیدن هرچه بیشتر کارگران وزحمتکشان منطقه. تلاش است از سوی انحصارات امپریالیستی جهان برای نجات سرمایه داری در حال زوال، از چنگان بحران‌های عمیق اقتصادی و سیاسی که اکنون تمام جهان سرمایه داری را فراگرفته است.

بدیهی است که جنگی با چنین اهداف و مقاصدی، همان‌گونه که به افغانستان محدود نماند، به عراق نیز محدود نخواهد ماند. دامنه این جنگ دیر یا زد به دیگر مناطق خاور میانه و آسیای مرکزی گسترش خواهد یافت. با گسترش این جنگ، تضادهای قدرت‌های امپریالیست جهان که هر یک سهم بیشتری از بازار و چاپل را می‌خواهند، تشید خواهد شد. تشید روز افزون این تضادها به معنای افزایش خطر گسترش جنگ در ابعادی

جهانی است که نابودی میلیون‌ها انسان و تباہی و نابودی انبوی از نیروهای مولده انسانی را در پی خواهد داشت. تنها راه نجات بشریت ستمدیده از شر جنگ، کشتار، اسارت، اختناق و تمام فجایعی که سرمایه داری جهانی به بار آورده است و مقابله با فجایع بیشتر این نظام، انقلاب کارگری در مقیاس جهانی است. این وظیفه کارگران تمام کشورهای جهان و زحمتکش ترین و ستمدیده‌ترین مردم است که نه تنها قاطعنه با جنگ‌ها و کشتارهای وحشیانه امپریالیسم مخالفت کنند و آن را محکوم نمایند، بلکه برای نجات تمام بشریت ستمدیده، با انقلاب کارگری، طومان نظام سرمایه داری را با تمام فجایع اش برچینند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که همواره جنگ‌های امپریالیستی و ارتجاعی را به عنوان اقداماتی جنایتکارانه و ضد بشري محکوم نموده است، یک بار دیگر جنگ بلک امپریالیستی تحت رهبری آمریکا علیه مردم عراق را قاطعنه محاکوم می‌کند واز کارگران وزحمتکشان ایران نیز می‌خواهد هم صدا با کارگران و تمام مردم صلح دوست جهان، این جنگ ارتجاعی را محکوم کنند.

کارگان وزحمتکشان ایران! زنان و جوانان تحت ستم! روشنفکران انقلابی!

با وقوع جنگ و بحرانی تر شدن اوضاع منطقه، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حاکم برایران، در تلاش است، یا دامن زدن به تلاش‌های ناسیونالیستی و شویندگی و تنشیید اختناق، از این اوضاع به نفع خود بهره‌گیری کند و خود را از چنگال بحرانی که در آن گرفتار است، نجات دهد. در همین حال، برخی از احزاب و سازمان‌های سیاسی وابسته به سرمایه داران و قدرت‌های امپریالیستی جهان به ویژه سلطنت طلبان، در تلاش‌اند چهره، کریه امپریالیسم آمریکا و اهداف و مقاصد ضد بشري، توسعه طلبانه و تجاوز کارانه آن را پوشانند و این جنگ ارتجاعی را در خدمت منافع مردم ایران برای آزادی و دمکراسی معرفی کنند.

ما هرگز نباید فربد بخوریم. امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌ها و نیز جمهوری اسلامی دشمنان بشریت و دشمنان ما مردم زحمتکش و ستمدیده هستند. ما نباید لحظه‌ای این حقیقت را فراموش کنیم که قدرت‌های امپریالیست جهان، سال‌هast که ما مردم ستمدیده ایران را به بند کشیده واز رژیم‌های استبدادی و سرکوبگر در ایران حمایت کرده‌اند.

ما همچنین لحظه‌ای نباید در تلاش خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی درنگ کنیم. تحت هر شرایطی ما باید به وظیفه خود برای بربایی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی عمل کنیم. راه نجات ما، انقلاب درایران و اتحاد با کارگران وستمیدیکان سراسر جهان برای سرنگونی امپریالیسم و سرمایه داری در مقیاس جهانی است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی — برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد امپریالیسم و جنگ

نابود باد سرمایه داری جهانی — زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت) — ۱۲۹ اسفند ۱۳۸۱

کار — نان — آزادی — حکومت شورایی

خبری از ایران

* اعتراض، راهپیمایی و تجمع یک پارچه کارگران نساجی

روز دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۰، نزدیک به هزار نفر از کارگران کارخانه تجارت، کارخانه رحیم زاده، کوه فتح و پارس فاستونی اصفهان، دست ازکار کشیدند و با انجام راه پیمایی و تظاهرات در خیابان های شهر، دربرابر استانداری اصفهان دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت فوری ۶ تا ۸ ماه حقوق عقب افتاده و پایان بلاتکلیفی خود شدند. مسویین دولتی که از یک پارچه کارگری و هماهنگی اعتراض کارگران به وحشت افتاده بودند، فوراً نیروهای انتظامی و سرکوب را به محل فراخواندند تا کارگران را پراکنده سازند. اما کارگران دست به مقاومت زدند. در پی اصرار کارگران برای رسیدگی به مطالبات و پرداخت حقوق های عقب افتاده خویش، نیروی سرکوب صفوی کارگران را مورد حمله قرار دادند. در اثر این اقدام وحشیانه، تعدادی از کارگران مصدوم و تعداد دیگری نیز دستگیر شدند. در عین حال شماره دیگری از کارگران، شب همانروز توسط نیروهای انتظامی بازداشت و به زندان افتادند. مجموعه کارگران بازداشتی به ۱۲ نفر رسید که بعد اباقید ضمانت آزاد شدن و قرارست، دادگاه آنها بعداز تعطیلات نوروزی تشکیل شود و کارگران به جرم مطالبه دستمزد خویش محکمه شوند!

* اعتراض رانندگان شرکت واحد

روز یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۰، رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی کرمانشاه دست به اعتراض زدند. مدیریت این شرکت قبل از قول داده بود، حقوق عقب افتاده و عیدي و پاداش رانندگان تا ۱۵ اسفند پرداخت شود. اما از آنجا که این وعده عملی نشد، رانندگان اتوبوس در یکی از میدانی شهربازی اتوبوسها را متوقف ساختند که عملی ترافیک شهر مختلف گردید. به دنبال این اعتراض، نماینده استاندار، جهت پایان دادن به اعتراض، در جمع رانندگان معترض حاضر شد. نامیرده قول داد حقوق عقب افتاده فوراً پرداخت گردد و خواست پرداخت عیدي و پاداش رانندگان را نیز پیگیری نماید. اعتراض کنندگان تهدید کردند چنانچه خواسته های سه گانه آنها عملی نشود، مجدداً دست به اعتراض خواهند زد.

* تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

دهها تن از کارگران شهرداری، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، در برابر شهر - داری ناحیه یک منطقه ۱۲ تهران دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی که از ساعت ۵ بعد از ظهرتا ۹ شب به طول انجامید، کارگران خواستار پرداخت سه ماه حقوق عقب افتاده خود شدند.

اعتراض کرده وبا این اعتساب نشان دادند که سرمایه داران اروپا نمی توانند به این سادگی اقدامات ضد کارگری خود را بهانه کاهش هزینه تولید و بهبود کیفیت خدمات جامه عمل بپوشانند.

* پایان اعتراض کارگران راه آهن در آلمان

از اوایل سال جاری میسیحی، بیش از ۱۶۰ هزار کارگر راه آهن در سراسر آلمان، به انتظار نتیجه مذاکرات نمایندگان خود و نمایندگان کارفرما در خصوص تجدید قراردادهای دسته جمعی بودند. کارگران در این دور خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۵ درصد، بکسان سازی دستمزدها در بخش شرقی و غربی آلمان، عدم خصوصی سازی خدمات راه آهن وبالاخره اعتبار قراردادهای دستجمعي به مدت تنها یکسال بودند. این خواسته هایا مخالفت کار فرما، یعنی شرکت دولتی راه آهن آلمان موافق شد. همین امر یک رشته اعتصابات زنجیره ای از سوی کارگران را به همراه داشت. کارگران اعلام کرده بودند که تحمل آنها همحدی داشته و آنها قصد ندارند که تنها به این اعتصابات زنجیره ای قناعت کنند. قراربود که در صورت ادامه مخالفت نمایندگان کارگران، اعتراض کارگران وارد مرحله جدیدتری شود. اما در همینجا بود که کارفرمادست به عقب نشینی زد و با پذیرش بخش زیادی از خواسته های کارگران، نمایندگان آنان به توافق رسید و مفاد قراردادهای دستجمعي مورد موافقت کارگران قرارگرفت. بر طبق این توافقات، دستمزدها به میزان ۳ درصد افزایش یافت و قرار شد دستمزدهای کارگران در دو بخش آلمان تا اوخر سال ۲۰۰۶ نیز به سطح یکسانی برسد.

* اعتراض نفتگران هند

روز ۲۳ مارس، بیش از ۱۷ هزار نفر از کارگران دو پالایشگاه نفت در حوالی شهر دھلی نو اولین اعتراض ۳ روزه خود را خاتمه دادند. این اعتراض در اعتراض به تصمیم دولت مبتنی بر خصوصی سازی بخشی از خدمات این پالایشگاه ها انجام گرفت. با آغاز این اعتراض، بخشی از مناطق هند با کمبود نفت، بنزین و دیگر مواد سوختی مواجه شدند. در اینجا نیز انحرافات نفتی امپریالیست ها خواهان سهم بیشتری از بازار هند شده و به این ترتیب دولت این کشور را تحت فشار قرار داده اند تا خدمات پالایشگاهی نفتی این کشور را به دست سرمایه داران خصوصی بسپارد. این اقدام نیز بدون شک اخراج هزاران کارگر و فقدان امنیت شغلی برای بقیه کارگران را به دنبال خواهد داشت.

همین امر نیز باعث مخالفت همه جانبه نفتگران هند با طرح های پیشنهادی دولت مبتنی بر خصوصی سازی خدمات پالایشگاه های این کشور شده است. کارگران اعلام نمودند در صورت ادامه اقدامات دولت، اواخر ماه آوریل، مجدداً دست به اعتراض خواهند زد.

خبری کارگری جهان

* ادامه اعتراض معدنچیان اوکرائین

اعتراض و اعتراض غذای دهها معدنچی در اعماق زمین وارد سومین هفته خود شد. شرایط مرگبار کار و نبود حداقل امکانات ایمنی و عدم پرداخت دستمزدها در ماههای اخیر از دلایل اعتراض معدنچیان است که چندین معدن در سراسر اوکرائین را در بر گرفته است، گویی اتمام این فشارها کافی نیست که اکنون نیز دولت اوکرائین اعلام نموده که بیش از ۱۵۰ معدن را به دلیل زیان دهی تعطیل کرده و باقیمانده معادن این کشور را نیز به سرمایه داران خصوصی خواهد فروخت. این اقدامات نیز دیگری حز اخراج هزاران کارگر و گرسنگی و فقر بیلیون - ها نفر نخواهد بود. بیکاری، بی آیندگی و مرگ ناشی از گرسنگی معدنچیان اوکرائین را به مبارزه ای برای مرگ و زندگی کشانده است. این مبارزه هم اکنون با تمام قوا ادامه دارد و معدنچیان اعتراضی اعلام کردنده تحقق مطالبات خود به اعتراض ادامه خواهد داد.

* اعتراض کارگران راه آهن در اروپا

روز ۲۷ مارس تمامی کارگران راه آهن در ایتالیا، فرانسه و اسپانیا دست به یک رشته اعتصابات زنجیره ای زدند. اتحادیه اروپا تصمیم دارد که برخی از خدمات راه آهن در کشورهای اروپایی را به بخش خصوصی واگذار نماید. نتیجه این اقدامات نیز بهوضوح در انگلستان و بخشی از دانمارک در مقابل چشم همگان است. در اینجا بخشی از خدمات راه آهن به شرکت های خصوصی نظریه Arivia و اگذار شده است. پی آمد مستقیم این امر اخراج بخشی از کارگران و کاهش کیفیت خدمات را راه شده از سوی این شرکت بوده است. همه این عوامل از جمله دلایلی بودند که کارگران راه آهن در این سه کشور اروپایی را به برقایی یک اعتراض هماهنگ سوق دادند. این اعتراض ابتدا در ایتالیا آغاز شد. در اینجا واز اولین ساعات باداد، دهها هزار کارگر راه آهن در سراسر کشور کارها را به مدت ۳ ساعت تعطیل کردنده و به این ترتیب حرکت صدها قطار مسافربری و باری متوقف شد. پس از کارگران ایتالیایی، نوبت به کارگران راه آهن اسپانیا رسید که با اعتراض سه ساعت خود ناراضیتی کارگران را از این اقدامات سرمایه داران اروپایی میباشد بگذراند. در اینجا نیز توقف کامل قطارها در سراسر اسپانیا، هزاران مسافر را در ایستگاهها به انتظار نشاند و قطارهای باری با تاخیری چند ساعت به حرکت درآمدند. آخرین اعتراض این روز توسط دهها هزار کارگر راه آهن در فرانسه انجام گرفت، در این کشور نیز کارگران در اتحاد با برادران خود در دیگر کشورهای اروپایی به خصوصی سازی خدمات راه آهن

کارحرزی است که می‌توان از تکرار خطاهای جلوگیری کرد. این اصل عام در رابطه با بررسی فاجعه ۴ بهمن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد چرا که طرفین درگیر برای حل اختلاف دست به سلاح برداشتند و این مسئله‌ای است که نباید گذاشت در جنبش چپ تکرار شود. این روست که بررسی زمینه‌های شکلگیری ۴ بهمن اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

پس از واقعه ۴ بهمن ۶۴، کمیسیون تحقیقی از سوی اتحادیه میهنی کردستان که واقعه در قلمرو تحت اختیار آن رخ داده بود، تشکیل شد. این کمیسیون با کسانی که از دو طرف در درگیری شرکت‌داشته و یا شاهد آن بودند، مصاحبه‌هایی انجام داد. دستچینی از مصاحبه‌های انجام شده و نتیجه‌گیری کاملاً جانبدارانه و مغرضانه ای که به آن افزوده شده بود، به عنوان گزارش کمیسیون در آن زمان منتشر شد. علاوه بر این، مطالب و گزارشات زیادی هم از جانب طرفین درگیر که هم اکنون در تشکیلات های جداگانه فعالیت می‌کردند، و هم از طرف احزاب و جریانات چپ و راست منتشر شد. روشن است که ۴ بهمن بهابزاری در دست جمهوری اسلامی، مجاهدین و سلطنت طلبان تبدیل شد تا کینه و نفرت‌شان از کمونیست‌ها را بیرون بریزند. جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از درگیری ۴ بهمن تلاش کرد روحیه مقاومت رفقاء‌ی را که به جرم فعالیت با سازمان دستکیر و زندانی شده بودند، درهم بشکند. برخی از احزاب و سازمان‌های چپ‌هم‌فرضت را برای تسویه‌حساب با اقلیت‌معتقد شمردند و در مذمت نبود دمکراسی در تشکیلات اقلیت، عدم برگزاری کنگره و غیره به قلم فرسایی پرداختند. البته زمان کوتاهی لازم بود تا انشعابات پی در پی در همین سازمان‌ها وانتقاد مخالفان و معترضان به رهبری آن‌ها از نبود دمکراسی درون تشکیلاتی و غیره نشان دهد که نه تنها خود تافته حدافت‌های نیستند، بلکه از این واقعه هیچ نیاموخته‌اند. به هر رو بحث بر سر واقعه ۴ بهمن پس از مدتی در سطح بیرونی فروکش کرد. اما در درون جریاناتی که پس از ۴ بهمن از یکدیگر جدا شده بودند، مسئله نمی‌توانست فراموش شود. برخورد انتقادی به مسئله ۴ بهمن در درون این سازمان‌ها مسئله‌ای جدی بود و خود به اختلافات درونی منجر شد. گرایشات وحدت طبانه‌ای در بدنه هردو جریان شکل گرفت. بحث و تبادل نظر بررس وحدت مجدد میان جریان شورای عالی و سازمان ما آغاز شد. این بار مسئله بررسی فاجعه ۴ بهمن در فضایی متفاوت از سال ۶۴ در دستور کارقرار گرفت. سرانجام در اکتبر سال ۹۰، کمیسیونی مرکب از نمایندگان هسته اقلیت، شورای عالی و سازمان ما برای جمع آوری اطلاعات و بررسی مسئله ۴ بهمن شکل گرفت. این کمیسیون دعوت نامه‌ای برای جریان موسوم به کمیته خارج فرستاد و از آن خواست که نمایندگانی برای عضویت در کمیسیون و انجام تحقیقات معرفی نماید. برای کمیسیون تعجب آور نبود که هیچ‌گاه پاسخی دریافت نکرد. کمیسیون سه سازمان به ناگزیر کارخود را

شکل‌گیری ۴ بهمن را بررسی می‌کند تا با ایجاد مکانیزم‌هایی مانع از تکرار این مسایل شوند. اما کسی که اندکی با سابقه بنیان گذاران این جریان، بامواضع سیاسی آن، و آنچه امروز از "چپ کارگری" باقی مانده آشنا نیای داشته باشد متوجه می‌شود که این بحث قرار است بر مشکلات دیگری که "چپ کارگری" با آن روبروست، سریوش بگذارد. نظری به ترکیب این جمع و جهت تبلیغات آنها به سرعت نشان می‌دهد که هدف و انگیزه این جمع چیست.

در شرایط سیاسی امروز که احزاب و سازمان‌های سیاسی به تبع قطبی تر شدن جامعه در مقابل یکدیگر صفاتی می‌کنند، بعض تاریخی جریان سانتر خودنمایی می‌کند. دیگر نمی‌توان در پس شعارهای کلی چپ سنتگر گرفت. باید صریح و روشن در قبال مسایل و تحولات موضع گرفت. و این امری است که چپ کاذب از انجام آن عاجز است. "چپ کارگری" که سال‌ها پشت شعار کلی، کشدار و گول زننده حکومت کارگری سنتگر گرفته است، حالا باید روشن کند که در کدام صفت ایستاده است. چپ کارگری نمی‌تواند صفحه‌هایی در تاریخ جنبش فدایی "کاپیلیون برگ سیاهی" را بروزیزند. فردی با سالگرد فاجعه ۴ بهمن منتشر شد. فردی با امضای ر - راسخ نیز به مناسبت هفدهمین سالگرد ۴ بهمن اطلاعیه‌ای با عنوان "فاجعه چپ کارگری" را منتشر کرد. درین حال می‌تواند به یکباره و بدون زمینه سازی‌های قبلی رسماً در صفحه‌هایی بورژوازی قرار بگیرد، بلکه به یک دوران گذار نیاز دارد تا مسئله را از نظر سیاسی و روانی زمینه سازی کند. زمینه سازی نزدیکی به جریانات راست، طبیعتاً با حمله به جریانات چپ مترادف است.

حمله چپ کاذب به جریانات چپ و کمونیست عرصه‌های متعددی را در بر می‌گیرد. اگر به تبلیغات خط دهنگان "چپ کارگری" فعالیت می‌کند، اکنون در اتحاد چپ کارگری هستند؟ این‌ها "اعضا و فعالان ساقب" چه کسانی هستند؟ این‌ها فدایی هستند؟ عضو سازمان مهدی سامع هوادار مجاهدین بوده اند؟ عضو کمینه خارج کشور بوده اند یا شورای عالی؟ چه کسانی در پیش این‌ها امضا مخفی شده اند؟ این‌ها سوالاتی است که می‌شود طرح کرد، اما این‌ها هر که هستند، وابسته به چپ کارگری" اند.

سوال دیگر این است که چرا این‌ها پس از هفده سال برای ۴ بهمن یادبود می‌گیرند. چرا در دهه‌ی دوازدهمین و یا پانزدهمین سالگرد ۴ بهمن یادبود نگرفتند و چرا صبرنگرند در ۱۸ سالگی برایش یادبود بگیرند؟ و آخرین سوال این که چرا نام بردن از فاجعه ۴ بهمن و یادبود گرفتن برای آن از سوی این جماعت، مترادف است با فحاشی به سازمان ما و تکرار اراجیف اتحادیه میهنی و جلال طالباني، حتاً با همان کلمات و عبارات؟

«چپ کارگری» و مسئله ۴ بهمن

با حدت گرفتن بحران سیاسی حاکم بر جامعه ایران و نزدیکتر شدن تحولات، احزاب و سازمان‌های سیاسی برتبه‌ی این موضع سیاسی خود افزوده‌اند. هر حزب و سازمانی تلاش می‌کند جایگاه خود را در رویارویی های طبقاتی آینده روش‌کند و زمینه‌های نزدیکی به محدودین خویش را فراهم سازد. بازار ارائه برنامه و منشور و طرح اتحادها داغ است، بحث بررس چگونگی سرنگونی جمهوری اسلامی، و مختصات حکومت جایگزین آن، بحث اغلب احزاب و سازمان‌های سیاسی است. در چنین شرایطی است که "چپ کارگری" به یاد مسئله ۴ بهمن افتاده است.

در اوایل بهمن ماه، اعلامیه‌ای با امضای "جمعی از اعضاء و فعالان سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق" که اکنون در اتحاد چپ کارگری فعالیت می‌کنند "بمناسبت هفدهمین سالگرد فاجعه ۴ بهمن منتشر شد. فردی با امضای ر - راسخ نیز به مناسبت هفدهمین سالگرد ۴ بهمن اطلاعیه‌ای با عنوان "فاجعه گاپیلیون برگ سیاهی در تاریخ جنبش فدایی" منتشر کرد و بار دیگر کردن یک سری اطلاعات تحریف شده و بالحنی هیستیریک کینه و نفرت خود را نسبت به جنبش فدایی به نمایش گذاشت. سرانجام خانم یاسمین میظار عضو هیئت هماهنگی چپ‌کارگری سلسله بحث‌هایی را در رابطه با ۴ بهمن در پالتاک سازماندهی کرد. با حمله به جریانات چپ مترادف است و هیستیری ضد فدایی او از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ "جمعی از اعضاء و فعالان سابق سازمان چریک‌های فدایی که اکنون در اتحاد چپ کارگری خلق می‌کنند" هستند؟ این‌ها "اعضا و فعالان ساقب" چه کسانی هستند؟ این‌ها فدایی هستند؟ عضو سازمان مهدی سامع هوادار مجاهدین بوده اند؟ عضو کمینه خارج کشور بوده اند یا شورای عالی؟ چه کسانی در پیش این‌ها امضا مخفی شده اند؟ این‌ها سوالاتی است که می‌شود طرح کرد، اما این‌ها هر که هستند، وابسته به چپ کارگری" اند.

سوال دیگر این است که چرا این‌ها پس از هفده سال برای ۴ بهمن یادبود می‌گیرند، دهه‌ی دوازدهمین و یا پانزدهمین سالگرد ۴ بهمن یادبود نگرفتند و چرا صبرنگرند در این که چرا نام بردن از فاجعه ۴ بهمن و یادبود گرفتن برای آن از سوی این جماعت، مترادف است با فحاشی به سازمان ما و تکرار اراجیف اتحادیه میهنی و جلال طالباني، حتاً با همان کلمات و عبارات؟

اگرکسی با "چپ کارگری" آشنا نباشد، شاید تصور کند که بالاخره در میان جریانات چپ و مدعاً چپ‌ایران جریانی هم پیدا شد که یک قدم از سایرین جلوتر است و برخلاف سایرین و های سیاسی که هنوز در گیرروشن کردن موضع سیاسی‌شان و نزدیک شدن به محدودین شان هستند، اینها این کارهاران انجام داده‌اند، و حالدارند مسایل چگونگی سازماندهی شان را حل می‌کنند و در راستای درس آموزی از لطمات و اشتباهات گذشته چپ، زمینه‌های

«چپ کارگری» و مسئله ۴ بهمن

آغاز کرد و طی نزدیک به ۱۰ ماه فعالیت، حلسات متعددی تشکیل داد. مهم ترین کار این کمیسیون برگزاری یک جلسه با شرکت اعضای کمیته مرکزی وقت سازمان سیاسی و شورایعالی وقت بود. بهرام مسؤول کمیته خارج این بارنیز به دعوت کمیسیون پاسخی نداد. به جز ییدی ازاعضای شورایعالی وقت، سایر دعوت شدگان درجلسه حاضر شدند و طی سه روز بحث و گفتگوی رودرورو با کمیسیون، اطلاعات ونظرات خود در مورد زمینه های شکلگیری بحران در رون سازمان و درگیری نظامی را در اختیار کمیسیون قرار دادند. البته کمیسیون برنامه های دیگری دردستور کارخود داشت که موفق بهانجام آن ها نشد. اما نوار تمام جلساتی که کمیسیون از ابتدا تا آخرین روز حیاتش برگزار کرد و از جمله نوار کلیه صحبت های آن جلسه ۳ روزه کلمه به کلمه پیاده و توسط نمایندگان سه سازمان با اصل نوارها تطبیق داده شد. کمیسیون متسافنه نتوانست این اسناد رامنتشر سازد. اما نسخه ای از آن نزد هرجیریان موجود است. تا آنجا که به سازمان ما بر می گردد، ما که امکان مالی چاپ این استناد رانداشتیم، آنها رایه همان شکل خام و دستنویس پیاده شده از نوار تکثیر کردیم و به اضافه نامه هایی که کمیسیون ارسال یا دریافت کرده بود، به صورت جزیره جداگانه ای عمل می کرد و نه در آن زمان ونه بعدها کسی از ماجراهای گردد. این کمیته در رون تشکیلات سازمان به طی همان شکل خارج ونحوه سازماندهی آنها بر می درونی آن با خبر نبود. ۵-۴ نفری که عضو اینکمیته بودند، به دقت توسط مسؤول کمیته گرین شده و مورد اعتماد کامل او بودند. این افراد به دلیل اطاعت محض از مسؤول کمیته و به قربان گویی، در راس کمیته خارج کشور سازمان قرار گرفته بودند و صدھا هوادار سازمان را در خارج کشور تحت مسئولیت داشتند. این افراد تنها زمانی یکی پس از دیگری از کمیته خارج جا شدند که دیگر از ۷ تن از جمله یک کودک ۱۱ ساله منجر شده است. . . بسیاری از دستگیر شدگان بیش از ۱۲ ساعت در بازداشت بوده اند و دهها مورد از شکنجه دستگیر شدگان گزارش شده است . . . در خارطوم-سودان، سه دانشجو در حین تظاهرات، از سوی مامورین به گلوله بسته شده و کشته شدند . . . علاوه بر سرکوب و محدودیت آزادی ها، در همین گزارش به موارد دیگری از نقض حقوق اشاره شده است. از جمله: «در بسیاری از نقاط جهان، حقوق پناهندگی به شدت مورد حمله قرار گرفته است. اتحادیه اروپا، دانمارک، نروژ، سوئد و انگلستان امرپذیرش پناهجویان را متوقف کرده اند. در آمریکا ۳۳ نفر از اتباع خارجی هنگام ورود به خاک این کشور دستگیر شده اند که هنوز از سرنسنوت آنها خبری نیست.»

و باید ایده ایجاد بود لحظه های مفقوده این اطلاعات هم روزی تکمیل شود. در عین حال باید منتظر بود تا هیئت هماهنگی «چپ کارگری» از مسایل دیگر تشکیلات چپ فراغت حاصل کند و جایگاه این جریان را در تحولات آتی روشن کند. باید در انتظار ماند و دید که آیا «چپ کارگری» اتفاق رکارگری هست که در تحولات آینده در کنار جریانات چپ و کمونیست قرار بگیرد و از حاکمیت مستقیم کارگران دفاع کند، یا مدافعت نهادهای بورژوا ای است و از فراندو و مجلس موسسان دفاع می کند؟

پروین نیک آئین

چرا شوراها

سرمایه بر دمکراسی خط پایانی کشیده می‌شود. در دمکراسی شورایی نه فقط تمامی مقامات دولتی انتخابی بوده و آنان در هر موقع قابل تعویض می‌باشند، بل از حقوقی نیز در حد حقوق یک کارگر ماهر برخوردار خواهند بود. بنابراین در این نوع از دمکراسی، تمامی نمایندگان دولتمردان می‌باشند که در هر موقعیتی جوابگوی انتخاب کنندگان باشند. در اینجا، کارگران و زحمتکشان و سربازان و تمامی مردم با تشکل در شوراها، خود بر سرنوشت خود مسلط خواهند بود. آنها از طریق شوراها که هم ارگان قانونگذاری است و هم ارگان اجرایی، برای تمامی مردم آزادی کامل فکر و عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماع، تظاهرات و اعتراض، تشکل و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، شوراها و کلیه تشکل‌های صنفی و دمکراتیک را تضمین خواهند نمود.

در دمکراسی شوراها کلیه اتباع، مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملت از حقوق برابر برخوردارند و شوراها می‌توانند متناسب

توضیح هیئت تحریریه

رفقا، ازانجا که صفحات نشریه کار بسیار محدود است، بدین وسیله از همه رفقا و دوستانی که برای نشریه مقاله می‌نویسند تقاضا داریم این مسئله را در نظر بگیرد و مقالات کوتاه بفرستند. در عین حال گاه به علت تراکم مطلب، تحریریه ناچار است برخی مقالات را با تأخیر چاپ کند و یا به کلی از درج آن صرف نظر نماید.

دوست عزیز علی اسکندرپور

مقاله شما تحت عنوان "مرتعین حاکم، ایران را به کجا می‌برند؟" را دریافت کردیم. از همکاری شما تشکر می‌کنیم و از مطلب ارسالی استفاده خواهیم کرد.

رفیق گرامی الف- آرمان

با تشکرفاوان به خاطر ارسال مطلب، به علت تراکم مطالب متساقنه چاپ مقاله شما در این شماره مقدور نگردید و به بعد موکول شد.

با قدرتی کم نظیر ادامه پیدا کرده است. در یونان، شهر اتن شاهد برپایی چند تظاهرات ضد جنگ بود که در طی آن دهها هزار نفر از مردم به خیابان‌ها آمد و مخالفت خود را با جنگ‌امپریالیستها به نمایش گذاشتند. گذشته از حضور وسیع جوانان، محصلین، دانشجویان در اغلب این تظاهرات، درکشورهایی نظیر ایتالیا، اسپانیا و یونان شاهد حضور و اعتراض کارگران علیه‌این جنگ نیز بودیم. در این کشورها چندین بار، دهها هزار کارگر، مبارزه‌خود برای یکزنگی بهتر را بامبارزه علیهم‌جنگ‌امپریالیستها پیوند زدند و به‌این ترتیب اتحاد بین المللی کارگران به شکلی آشکار چهره نمود. روز ۲۹ مارس مجدداً تمامی شهرهای بزرگ اروپا شاهد همایش نیروهای مخالف جنگ بود. در آلمان مخالفان جنگ یک زنجیر انسانی به طول ۵۰ کیلومتر میان دو شهر تشکیل داده و تظاهرکنندگان در دیگر شهرها جاده‌ها را بستند و به اشکال مختلف مخالفت خود با این جنگ را به نمایش گذاشتند. در این روز چند شهر بزرگ آمریکا و آسیا نیز شاهد برپایی تظاهرات ضد جنگ بود.

امپریالیست‌ها به جنگ خود ادامه خواهند داد، اما میلیون‌ها انسان در سراسر جهان مصمم هستند که همیستگی خود با مردم زجردیده عراق را حفظ کرده و از هر فرصتی برای ابراز ارزیار خود از اقدامات تجاوز کارانه امپریالیست‌ها به خیابان‌ها بیایند. امپریالیست‌ها اشتباه می‌کنند اگرتصور کنند که جنبش ضد جنگ رو به خاموشی خواهد رفت. حضور میلیون‌ها انسان در صف مبارزه علیه جنگ، نشان از تغییر اوضاع به ضرر امپریالیست‌هادارد. این بارجنبش ضد جنگ به همراه مردم ستمدیده عراق اجازه نخواهد داد که امپریالیست‌ها قلدرمنشانه زندگی می‌لیون‌ها انسان را تباہ کنند.

مصنونیت فرد و محل زندگی، آزادی مسافرت، اقامات، شغل و مکاتبات تمامی آحاد خواهند بود. آنان تمامی دستگاه‌های تحقیق و سانسور و شکنجه را منحل کرده و این اقدامات را بی‌قید و شرط متنوع اعلام خواهند کرد.

دین را از دولت و مذهب را از مدارس کاملاً جدا نموده و تبعیض برپایه جنسیت را ملغاً خواهند نمود. شوراها رسم دیپلماسی سری را برانداخته و مردم را از تمامی مناسبات، مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادها و پیمان-ها با دول دیگر آگاه خواهند کرد. و خلاصه کلام، شوراها سیاست خود را بر مبنای دوستی تمام ملل جهان، از هر نژاد و رنگ قرار خواهند داد.

بدین خاطراست که ما تنها راه را برای ایجاد فردایی بهتر، فردایی بدون جنگ و خونریزی، بدون فقر و استثمار، در دمکراسی شورایی و سوسیالیسم می‌بینیم و تمامی اشکال دولتی را که به نحوی از انجاء از مشارکت مستقیم مردم دراداره دولت طفره می‌روند را رد کرده و تمامی کارگران و زحمتکشان را برای از قراری دمکراسی شورایی فرا می‌خوانیم.

ف- آروین

مخالف این جنگ نیز فریب تبلیغات دروغ آنان مبنی بر سرنگونی سریع عراق و استقبال مردم ستمدیده این کشور از سربازان ائتلاف امپریالیستی را خوده و سرعت سیر حوادث دیگر جایی برای اعتراضات ضد جنگ باقی نخواهد گذاشت. اما روند حوادث نشان از واقعیتی دیگر داشت. همان گونه که در پیش اشاره شد، هنوز دقایقی چند از آغاز موتکش باران مردم عراق نگذشته بود که بیش از ۳۰ هزار نفر به خیابان‌های شهرهای سیدنی و ملبون آمدند و از دولت این کشور خواستند که سربازان استرالیایی را به سرعت از اخاک عراق خارج کنند. موج اعتراضات به سرعت به تمام نقاط جهان گسترش پیدا کرد. در اروپا صدها شهر شاهد اعتراضات وسیع دهها هزار نفر از مردم خشمگین بودند که خواهان توقف فوری این جنگ شدند. گذشته از شهرهای بزرگ و کوچک در اروپا، صدها شهر در آسیا و آمریکا نیز شاهد قدرت نمایی مخالفان جنگ بود. تظاهرکنندگان در چند کشور عربی به سفارت خانه‌های آمریکا و انگلستان حمله کردند و با پرتاب سنگ، شیشه‌های ساختمان سفارت را شکسته و با به آتش کشیدن پرچم آمریکا، نفرت و از جرایح خود از نیروی درخاور میانه را به نمایش گذاشتند. در اولین روزهای آغاز جنگ، اغلب تظاهر کنندگان جوانان، محصلین و دانشجویان بودند که کلاس‌هایی مدرسه و دانشگاه را تعطیل کرده و به خیابان‌هایی آمدند و تقریباً تمامی این کشور نفرت و از جرایح خاک عراق به دیگر شهرهای ائتلاف امپریالیست‌ها می‌پیوندند. به این ترتیب موج اول حمله امپریالیست‌ها با شکست مواجه شده و پس از آمامده سازی مقدمات لازم چیزی نخواهد گذشت که شاهد دومنین حمله سربازان ائتلاف امپریالیستی علیه مردم عراق باشیم. جنبش جهانی ضد جنگ نیز از همان اولین دقایق آغاز این جنگ ویرانگر مبارزات خود را گسترش داد. به این ترتیب امپریالیست‌ها دریافتند که تنها در خاک عراق نیست که محاسبات آنها اشتباه از آب در آمده است. دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی تصور می‌کردند که افکار عمومی جهان و نیروهای

جنگ امپریالیست‌ها در عراق

در میان نیست. با توجه به مخالفت کشورهای بزرگ امپریالیستی نظیر فرانسه، آلمان و روسیه با این جنگ، هزینه‌نشکر کشی امپریالیست‌ها به عراق باید تنها توسط امپریالیست‌های امریکایی و بخش انگلیسی تامین شود. این خود نیز مشکلات زیادی را در بین این کشورها بخواهد داشت. اقتصاد بحران زده این کشورها بدون شک نخواهد توانست در دراز مدت از عهده هزینه کمرشکن این جنگ ویران گر برآید و افزایش بیکاری و تشدید بحران اقتصادی عرصه را هرچه بیشتر بر دولت‌های این کشورها تنگ خواهد نمود.

به این ترتیب بود که امپریالیست‌ها از نزدیک به ۱۱ روز موشک باران و حشیانه شهرهای عراق، به ویژه شهر بغداد، و نشر اکاذیب درمورد پیشوای برق آسای نیروهای تحت فرماندهی خود، به فکر تجدید آرایش و قوای خود افتاده و اعلام نمودند که بیش از ۱۰۰ هزار سرباز آمریکایی تازه نفس از نیروی های زرهی این کشور به سمت خاور میانه حرکت کرده و در چند روز آینده و در نقاط مختلف خاک عراق به دیگر شهرهای ائتلاف امپریالیست‌ها می‌پیوندند. به این ترتیب موج اول حمله امپریالیست‌ها با شکست مواجه شده و پس از آمامده سازی مقدمات لازم چیزی نخواهد گذشت که شاهد دومنین حمله سربازان ائتلاف امپریالیستی علیه مردم عراق باشیم. جنبش جهانی ضد جنگ نیز از همان اولین دقایق آغاز این جنگ ویرانگر مبارزات خود را گسترش داد. به این ترتیب امپریالیست‌ها دریافتند که تنها در خاک عراق نیست که محاسبات آنها اشتباه از آب در آمده است. دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی تصور می‌کردند که افکار عمومی جهان و نیروهای

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد موردنظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲

نظراتی بر اعمال آنان نمی توانند داشته باشند و این مدت کافی است تا این نمایندگان با خدمت به سرمایه داران و اربابانشان نوکری خود را به آنان اثبات نمایند تا پس از خاتمه دوران نمایندگی باز از کمک های مالی آنان برخوردار گردند و دوباره انتخاب شوند و یا به خاطر این خوش خدمتی مشاغل پردرآمدی گرفته و خود و خانواده خود را در مناصب پردرآمد جای دهند.

در این نوع از دمکراسی انتخاب کنندگان هیچ شناختی از کاندیداهای نمایندگی ندارند و فقط در دوران انتخابات بانام آنان آشنا می شوند و بتایراین کاندیداهایی که بیشترین بودجه را برای انتخابات خرج می نمایند، از شناسی بیشتری برای انتخاب شدن برخوردارند. برطبق گزارش کنگره آمریکا، برای کاندیدا شدن نمایندگی در انتخابات آمریکا، هر کاندیدایی می بایست میلیون ها دلار صرف تبلیغات تلویزیونی، رادیویی، مطبوعاتی و... نماید، که در این رابطه، یا کاندیدای انتخابات، خود این هزینه را از جیب متقبل می شود و یا این سرمایه گذاری را سرمایه گذاران دیگر بروی او انجام می دهند، که در هر دو صورت این سرمایه گذاری می بایست که برای سرمایه گذار برگشت سرمایه را تضمین نماید. بتایراین، نمایندگان منتخب می بایست که بیشترین استفاده را از این سرمایه گذاری و در طول دوران نمایندگی به دست آورند. پس این جا دیگر آن چه در درجه اول اهمیت قراردارد این بردن خواست های انتخاب کنندگان.

فقط دمکراسی شوراهای است که می تواند دمکراسی مستقیم توده ها باشد. در شوراهای نمایندگان، مستقیمابه و سیله مردم متشکل شده دشوارهای محلات، کارخانه ها، پادگان ها، ... و از بین خود آنها انتخاب می شوند، اینجا دیگر تبلیغات تلویزیونی و... کارآیی خود را از دست خواهد داد. اینجا خود اعضا شورا و از میان خود به آنانی رای می دهند که خود از نزدیک با خصوصیات فکری و انسانی و مبارزاتی او آشنا شوند و می باشند اند و از همه مهم تر در دمکراسی شورایی، نمایندگان منتخب، در هر لحظه قابل تعویض می باشند و به محض آن که انتخاب کنندگان اراده نمایند، می توانند نماینده خود را عزل کنند و به جای او نماینده دیگری را انتخاب نمایند. اینجادیگر هر کسی به طور آزادانه می تواند انتخاب کند و یا انتخاب شود. این جا دیگر بر سلطه صفحه ۷

چرا شوراهای

وقایع اخیر جهان و حمله وسیع آمریکا و انگلیس به عراق و اعتراضات شدید مردم در تمامی دنیا و مخصوصاً مردم کشورهای درگیر جنگ (آمریکا و انگلیس) و یا حامیان مستقیم - شان (اسپانیا و استرالیا) و بی توجهی سران این کشورها به این اعتراضات، بار دیگر به عینه و به طور بر جسته ای چهره دروغین دمکراسی های بورژوازی را آشکار ساخت و نشان داد که این به اصطلاح دمکراسی ها تا چه اندازه به افکار عمومی رای دهنده ای احترام می گذارند و همچنین تا چه اندازه ای انتخاب کنندگان بر اعمال نمایندگان انتخابی خود تاثیر گذارند.

به طور مثال در کشور انگلیس که به اصطلاح یکی از قدیمی ترین دمکراسی های بورژوازی است، دولت این کشور با وجود آن که بیش از ۷۰٪ از مردم این کشور، آشکارا مخالفت خود را با جنگ باتظاهرات میلیونی خود به نمایش گذاشته بودند، بی اعتماد به این اعتراض وارد این اعتراضات اعلام داشته که سیاست دولت در خیابان ها تصمیم گیری نمی شود و این دولت است که با تصویب پارلمان به اتخاذ سیاست در هر مردمی می پردازد. در پارلمان انگلیس نیز همگان به عینه دیدند که این پارلمان نیز بدون هیچگونه توجه به این اعتراضات و حتماً مخالفت شدید برخی از نمایندگان حزب خود نخست وزیر و پاپتیبیانی حزب محافظه کار لایحه جنگ را به تصویب رسانید. و یا مثلاً کشور اسپانیا با وجود آن که بیش از ۹۰٪ اسپانیایی ها با این جنگ به مخالفت برخاسته اند (و حتاً برطبق نظر خواهی اخیر اگر هم اکنون در این کشور انتخابات صورت گیرد، حزب حاکم شکست خواهد خورد) بدون اعتماد به این اعتراض به پشتیبانی از حمله به عراق برخاسته است. این بی اعتمادی به افکار عمومی انتخاب کنندگان در مردم مسئله بسیار مهمی چون جنگ به خوبی محدودیت های دمکراسی بورژوازی را به نمایش می گذارد و نشان می دهد تا چه حد نمایندگان انتخابی مردم، پیش برندگان واقعی خواست های آنانند و چگونه این نمایندگان پس از انتخاب شدن، به رای انتخاب کنندگان گردن می گزارند و تا چه اندازه انتخاب کنندگان بر اعمال این منتخبین می توانند کنترل و نظارت نمایند. در این نوع از دمکراسی نمایندگان حداقل به مدت ۴ سال انتخاب می گردند و در مدت این ۴ سال، انتخاب کنندگان هیچ گونه تاثیر و

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

|<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail :

info@fedaian-minority.org



Organization Of Fedaiyan (Minority)

No.402 apr 2003